

Interpretive Functions of the Qur'anic Citations of Al-Sahifa al-Sajjadiyya Concerning Imamate¹

Research Article

Emamatpajouhi,
Eleventh year, vol. 2
Autumn & winter 2021
DOI:10.22034/
jep.2022.272210.1276
jep.emamat.ir



Fathiyeh Fattahizadeh²/Marzieh Mohases³/ Fatimeh Adayi Khizri⁴

Abstract:

The supplications of Al-Sahifa al-Sajjadiyya in addition to being a means of receiving divine knowledge, include interpretive functions. The present study analyzes the doctrine of Imamate in Al-Sahifa al-Sajjadiyya based on the Quranic themes in the phrases of Imam Sajjad (pbuh). To this end, with a descriptive-analytical method and an intertextual approach, this fundamental question is answered: "what are the functions of the supplications of Al-Sahifa al-Sajjadiyya in explaining the Quranic verses on the subject of Imamate?". Using the Holy Qur'an, Imam Sajjad (pbuh) casts light on important theological issues of Imamate, the most important of which are explaining the guidance of the Imam, the necessity of the existence of the Imam, the sacredness of the status of Imamate, the infallibility of the Imam and the necessity of following him. Based on the results obtained from the research, three types of functions including verse interpretation, verse explanation as well as verse adaptation have had considerable frequency. The functions of interpreting the verses involving the arguments concerning the knowledge and infallibility of the Imam and the necessity of obeying the Imam as well as arguing about the guardianship of the Imam in society have been clarified. The function of adapting the verses compared with other functions indicates the obvious Shi'i orientation of Imam Sajjad (pbuh) regarding the doctrine of Imamate.

Keywords: The verses concerning Imamate, The supplications of Al-Sahifa al-Sajjadiyya, Interpretive functions, verse adaptation, verse explanation.

1. Date of receipt: 14/07/2021, Date of acceptance: 26/05/2022.
2. Professor, Theology Faculty, Alzahra University, Tehran, Iran, f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir
3. Assistant Professor, Theology and Religions Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, M_mohases@sbu.ac.ir
4. Mater of Quranic Science and Hadith, Alzahra University, Tehran, Iran (responsible author), fadaee khezri1348@gmail.com

المعطيات التفسيرية لاستدلال الصحيفة السجادية على الإمامة بالقرآن الكريم^١

فتحية فتاحي زادة^٢ / مرضية محصّص^٣ / فاطمة أدائي خضري^٤

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الحادية عشرة
العدد الثاني، الخريف
والشتاء سنة ٢٠٢١

jep.emamat.ir



الخلاصة

تعدّ أدعية الصحيفة السجادية واسطة لتلقي المعارف الإلهية، فضلاً عن اشتغالها على معطيات تفسيرية عديدة، وهذه الدراسة بصدد بحث مسألة الإمامة في الصحيفة السجادية وفقاً للمقومات والاستدلالات القرآنية الموجودة في عبارات الإمام السجاد عليه السلام، فحاولنا البحث عن جواب للسؤال الأساسي التالي اعتماداً على المنهج الوصفي التحليلي من خلال قراءة ما بين السطور: ما هي معطيات أدعية الصحيفة السجادية في توضيح الآيات القرآنية حول موضوع الإمامة؟ تناول الإمام السجاد عليه السلام المسائل الكلامية المهمة المتعلقة بالإمامة من منظور قرآني، أبرزها بيان هداية الإمام، وضرورة وجود الإمام، وكون الإمامة منصباً إلهياً، وعصمة الإمام، وضرورة التأسّي به. وبحسب النتائج المتحصلة من هذه الدراسة، تمّ التوصل إلى ثلاث معطيات مهمة هي: تحليل الآيات وتبيين الآيات وتطبيق الآيات، وقد تجلّت معطيات تحليل الآيات على صعيد البرهنة حول علم الإمام وعصمته وضرورة طاعته، وتجسدت البرهنة في ولاية الإمام على المجتمع. وأما دور تطبيق الآيات قياساً إلى الوظائف والمعطيات الأخرى فقد كشف عن توجه شيعي بارز أبداه الإمام السجاد عليه السلام حول مسألة الإمامة.

الكلمات المفتاحية: آيات الإمامة، الصحيفة السجادية، المعطيات التفسيرية، تطبيق الآيات، تحليل الآيات.

١. تاريخ الاستلام: ٢٠٢١/٠٧/١٤ م. تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٥/٢٦ م.

٢. أستاذة في كلية الإلهيات جامعة الزهراء عليها السلام، طهران، إيران. f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

٣. أستاذة مساعدة في كلية الإلهيات والأديان جامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران. M_mohases@sbu.ac.ir

٤. طالبة ماجستير في جامعة الزهراء عليها السلام، قسم العلوم والحديث، طهران، إيران، (الباحثة المسؤولة).

f.adaee khezri1348@gmail.com

کارکردهای تفسیری استنادهای قرآنی صحیفه سجادیه درباره امامت*

فتحیه فتاحی زاده^۱/مرضیه محمص^۲/فاطمه ادایی خضری^۳

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی
امامت پژوهی، سال یازدهم
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۰
پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صفحه ۵۵ - ۸۶

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2022.272210.1276



چکیده

نیایش های صحیفه سجادیه افزون بر این که واسطه دریافت معارف الهی به شمار می آید، در بردارنده کارکردهای تفسیری است. پژوهش حاضر، آموزه امامت را در صحیفه سجادیه بر اساس درون مایه های قرآنی موجود در عبارت های امام سجاد علیه السلام مورد واکاوی قرار می دهد. بدین منظور با روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد بینامتنی به این پرسش بنیادین پاسخ داده می شود که کارکردهای دعاهای صحیفه سجادیه در توضیح آیات قرآنی با موضوع امامت کدام است؟ امام سجاد علیه السلام با بهره گیری از قرآن به مسائل مهم کلامی امامت پرداخته اند که مهم ترین آنها تبیین هدایتگری امام، ضرورت وجود امام، الهی بودن منصب امامت، عصمت امام و ضرورت پیروی از ایشان است. بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش، سه گونه کارکرد تعلیل آیات، تبیین آیات و هم چنین تطبیق آیات، بسامد قابل توجهی داشته اند. کارکردهای تعلیل آیات در عرصه برهان آوری پیرامون علم و عصمت امام و ضرورت اطاعت از امام و هم چنین برهان آوری درباره سرپرستی امام در جامعه هویدا شده است. کارکرد تطبیق آیات نسبت به دیگر کارکردها، نشانگر جهت گیری شیعی بارز حضرت سجاد علیه السلام درباره آموزه امامت است.

کلیدواژه ها: آیات امامت، صحیفه سجادیه، کارکرد تفسیری، تطبیق آیات، تعلیل آیات.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵.

۱. استاد، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران. f.fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. M_mohases@sbu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f.adaee khezri1348@gmail.com

مقدمه

فضای سیاسی خفقان‌آور موجود در عصر امام زین‌العابدین علیه السلام باعث عدم آشنایی عموم مردم با مفهوم امامت گردید؛ تا بدان جا که از منظر مورخان، جزینج تن، کسی معتقد به امامت نبود.^۱ در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «جز سه نفر، بقیه مردم مرتد شدند».^۲ لذا امام سجاد علیه السلام در این دوران، برای تبیین مسئله امامت، از دعا به عنوان روشی آموزشی استفاده کرد تا منزلت امامت را برای همگان بیان کند.

از سوی دیگر، آیات قرآنی مربوط به امامت نیز به صورت کلی بیان شده است و نیاز به تفسیر و تبیین دارد. بدین جهت روایات تفسیری، یکی از منابع مهم در رفع ابهام آیات به شمار می‌آید. لازم به ذکر است، روایات تفسیری به آن دسته از روایات اطلاق می‌شود که به‌گونه‌ای، در تبیین مفاد آیات قرآنی و مداریل و مقاصد آنها دخالت دارند و مفسران، جهت رفع ابهام آیه، به آنها استشهاد می‌کنند و آنها را یکی از منابع مهم تفسیر نقلی دانسته‌اند. از این منظر، هرگفتاری از معصوم که به تفسیر یا رفع ابهام آیات پرداخته است یا زمینه فهم آنها را فراهم می‌سازد، در زمره روایات تفسیری محسوب می‌شود.^۳

گسترده‌گی ارجاع اندیشوران امامیه از گذشته تا کنون به صحیفه سجادیه و ثبت نام شروح مختلف آن در فهرست‌های نجاشی (م ۴۰۵ ق)،^۴ شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)^۵ و ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ق)،^۶ هم‌چنین تصریح علمای شیعه مبنی بر این‌که صحیفه از متواترات است،^۷ جای کمترین تردیدی در

۱. قرشی، باقرشریف، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، ۱۵۹/۲-۱۷۵.

۲. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۱۱۳.

۳. مهریزی، مهدی، «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حجیت»، علوم حدیث، ۴/۵۵-۳۴.

۴. نجاشی، احمد بن علی، رجال، ص ۴۲۶.

۵. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۴۷۷.

۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، ص ۴۷.

۷. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة، ۱۸/۵؛ صدر، سیدحسن، تأسیس الشيعة، ص ۲۸۴.

صحت انتساب این اثر به امام سجاده علیه السلام باقی نمی‌گذارد. از آن جا که روایات، کارکردهای متنوعی در رفع اجمال آیات قرآنی دارند، در این تحقیق، نگارندگان با قبول نظریه مستند بودن صحیفه به این اثر نگریده‌اند و در جستجوی پاسخ به این پرسش‌اند که مهم‌ترین کارکردهای تفسیری نیایش‌های صحیفه سجاده در موضوع امامت کدام است؟

آثاری که تا کنون به موضوع امامت در صحیفه سجاده پرداخته‌اند عبارت‌اند از: الف) مقاله «امامت در صحیفه سجاده» اثر محمد محمودپور و صاحب‌علی اکبری (۱۳۸۸). این مقاله جهت‌گیری امام سجاده علیه السلام در آن برهه از تاریخ اسلام را در موضوع امامت مورد واکاوی قرار داده است.

ب) پایان‌نامه محمدجواد صاحب‌الامری با عنوان «امامت از منظر صحیفه سجاده» (۱۳۹۴). در این پژوهش به موضوع امامت از بعد فلسفی پرداخته شده است و بدون در نظر گرفتن تأثیر آن در تفسیر و تطبیق آن با آیات قرآنی، فقط در ابعاد فلسفی به موضوع نگریده شده است.

ج) مقاله «امامت در صحیفه سجاده» اثر ناصر باقری بیدهندی (۱۳۹۴).

د) مقاله «ولایت امام و گستره آن در تفکر شیعی با تأکید بر آموزه‌های صحیفه سجاده» اثر سوسن آل‌رسول (۱۳۹۴).

ه) پایان‌نامه هانیه داوند با عنوان «نبوت و امامت در صحیفه سجاده» (۱۳۹۶). در این پژوهش، موضوعات امامت در کنار موضوعات نبوت توصیف شده است؛ بدون این‌که کارکرد تفسیری آنها بررسی شود.

و) پایان‌نامه زهره رحیمی بیاضی با عنوان «مستندات قرآنی امامت و ولایت در صحیفه سجاده» (۱۳۹۸). در این پایان‌نامه، مستندات قرآنی به نحو کامل تبیین نشده و دسته‌بندی منظمی از کارکردهای تفسیری ارائه نشده است.

بنابراین عدم وجود اثری علمی با جهت‌گیری مقاله حاضر، ضرورت پرداختن به این موضوع را مضاعف می‌کند.

۱. انواع کارکردهای تفسیری درباره امامت

شمار زیادی از روایات معصومان علیهم السلام در مقام شرح و بسط مضامین نهفته در آیات هستند و نقش انکارناپذیری در فهم مفاهیم قرآنی ایفا می‌نمایند. از این کارکرد روایات می‌توان با عنوان «کارکرد تفسیری» یاد کرد. این کارکرد روایات، از وقوع لغزش‌ها در فرایند فهم مفاد آیات، پیشگیری می‌کند.

با کنکاش در ۵۴ دعای صحیفه مشاهده شد که بیشترین بسامد کارکرد تفسیری در مبحث امامت به ترتیب در دعای عرفه (فرازهای ۵۶ تا ۶۲ و ۷۲ و ۸۶) و دعای عید قربان (فرازهای ۳ و ۶ و ۹ تا ۱۲) است. امام سجاد علیه السلام در دعای عرفه، ویژگی‌ها و مسئولیت‌های ائمه معصومین علیهم السلام را بیان می‌دارد و در دعای عید قربان نیز به برخی مسئولیت‌های ائمه در جامعه به شیوه سلبی تصریح می‌کند و در این راستا، حق غضب‌شده ائمه علیهم السلام و تبعات آن را در جامعه به تصویر می‌کشد. هم‌چنین در دعای ۴۲، فرازهای (۸ و ۶ و ۵) و به طور پراکنده در دعاها و در قالب صلوات، مباحث قابل تأملی بیان شده است؛ از جمله دعای ۳۴، فراز ۵، دعای ۲، فراز ۲۵، دعای ۴، فرازهای ۹ و ۳، دعای ۶، فراز ۲۴، دعای ۴۹، فراز ۱۶ و دعای ۲۶، فراز ۱. امام سجاد علیه السلام از این روزه، زیرکانه تفسیری بدیع و خلاقانه از آیات مختص امامت را برای مخاطبین صحیفه به زیبایی به تصویر می‌کشد.

۱-۱. کارکرد جری و تطبیق

بیان مصداق یا جری و تطبیق، گونه‌ای از تفسیر است که در آن، معصوم علیه السلام واژه یا آیه‌ای از قرآن را با بیان مصداق آن تبیین می‌نماید. جری و تطبیق روش امامان علیهم السلام است که یک آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق با آن باشد تطبیق می‌کنند. عقل چنین روشی را صحیح می‌داند.^۱ برخی از آیات قرآن، دارای مصداقی یا مراتب مختلف‌اند که کامل‌ترین و عالی‌ترین مصداق آن آیه، مصداق اکمل یا اعلای آیه محسوب می‌شود.

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۴۲/۱.

امام سجاد علیه السلام برای آشناسازی مخاطبین با مقام امامت، بیشتر از طریق غیرمستقیم، اهل بیت علیهم السلام را به عنوان مصداق اکمل، اعلا و اتم برخی از آیات قرآن معرفی می نماید و از این طریق، در بازتعریف مسئله امامت، نقش بی بدیلی را ایفا می نماید. کارکرد تطبیقی صحیفه سجادیه درباره آموزه امامت بر موضوعات ذیل متمرکز بوده است:

۱-۱-۱. الهی بودن نصب امام

امام سجاد علیه السلام در بیان ویژگی برجسته «صفوه» و «خیره» بودن اهل بیت جد بزرگوارشان نسبت به سایر مخلوقات، این گونه ایشان را لایق مقام امامت می داند: «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ»^۱ و از این طریق برای آیه «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»^۲ تعیین مصداق می نماید. فعل «اخْتَرْتُ» از «اختیار» به معنای برگزیدن و گرفتن چیزی است که برگزیننده، آن را خیر می بیند.^۳

این آیه، اختیار تام خداوند را هم از نظر تکوین و خلقت و هم از نظر تشریح بیان می دارد.^۴ اگرچه

آیه فوق در مورد پاسخ خداوند در عذر مشرکان و دلیلی بر نفی شرک و بطلان عقیده ایشان نازل شده است،^۵

لکن آیات قرآن، تاب معانی گسترده ای را دارند. ائمه علیهم السلام به عنوان مفسران قرآن که از لایه های درونی و بطن آن آگاه اند، مقاصد دیگر آیات را بیان داشته اند.

در روایات تفسیری، مقصود از اختیار و گزینش در آیه ۶۸ سوره قصص، گزینش امام معصوم از سوی خداوند ذکر شده است؛ مثلاً در تفسیر قمی ذیل این آیه آمده

۱. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۲. قصص: ۶۸.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴ / ۲۶۶.

۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۶ / ۶۷.

۵. همان، ص ۶۶.

است: «این خدا است که امام را اختیار می‌کند و مردم این حق را ندارند که امام اختیار کنند»؛^۱ زیرا مردم با عقل محدود خود توانایی انتخاب امام برای خود را ندارند. بنابراین به دلیل عقلانی، باید این انتخاب از سوی خداوند صورت گیرد.^۲ عبارت «اخْتَرْتَهُمْ» بعد از ویژگی مهم «عصمت» آمده است و مرجع ضمیر «هاء» در عبارت «أَهْلِ بَيْتِهِ» به اسم «مُحَمَّد» (در فراز ۵۴ همین دعا) برمی‌گردد. پس مقصود از «أَهْلِ بَيْتِهِ» همان اهل بیت پاک پیامبر ﷺ است که «خداوند ایشان را برای قیام به امر و دینش در عالم برگزیده است».^۳ لذا کلام حضرت ﷺ در تأیید و تکمیل تفاسیر روایی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و در اصل «وَيَخْتَارُ مَا يَشَاءُ» می‌باشد؛ که خود تأکیدی بر اراده الهی در امر گزینش دارد.

امام سجاد ﷺ از مجموعه مصادیق اختیارات الهی که نامحدود است و شامل آفرینش، شفاعت، ارسال پیامبران و گزینش امام معصوم و... است،^۴ به دقیق‌ترین و سرنوشت‌سازترین انتخاب‌ها و اختیارات الهی که همان گزینش اهل بیت پیامبر برای منصب خطیر امامت می‌باشد، تصریح می‌نماید؛ همان کسانی که به دستور خداوند به طور همیشگی^۵ برگزیده شده‌اند. بنابراین امام ﷺ با آوردن عبارت «اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ»، مصداق اکمل و اتم «وَيَخْتَارُ مَا...»^۶ را مشخص نموده است.

هم چنین اهل بیت مطرح شده در فراز پیش‌گفته مصداق آیه «... الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»^۷ نیز می‌باشند.^۸ در این آیه، خداوند با موصول عام «الذین» و با صیغه

۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، ۲/ ۱۴۳.

۲. فیض کاشانی، محمد محسن، الصافی، ۴/ ۱۰۰؛ عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۴/ ۱۳۶-۱۳۸.

۳. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، ریاض السالکین، ۶/ ۳۷۲.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۶/ ۱۴۲.

۵. رک: جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ۳/ ۷۱.

۶. قصص: ۶۸.

۷. فاطر: ۳۲.

۸. عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۴/ ۳۶۳-۳۶۶.

متکلم مع‌الغیر، به عظمت امر‌گزینش بندگان برگزیده‌اش تصریح می‌نماید؛ چنان‌که حضرت علیه‌السلام نیز با تصریح به نام اهل‌بیت و مخاطب‌قرار دادن خداوند، علاوه بر منتسب‌نمودن امر‌گزینش به پروردگار، اهل‌بیت پاک پیامبر را به عنوان مصادیق اکمل آیه معرفی می‌کند.

فراز مورد نظر، به امامت «آل محمد» نیز اشاره دارد که اهل‌بیت پیامبر علیه‌السلام به امر الهی، برگزیده این مقام از «آل ابراهیم» هستند. بدین ترتیب ایشان در این فراز، مضمون این آیه: «... فَأَتَمَّهَنْ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...»^۱ را نیز تداعی می‌نماید. در تفاسیر نیز ذیل آیه ۱۲۴ بقره آمده که منظور از «فَأَتَمَّهَنْ»، «أَتَمَّهَنْ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ وَدِدِ عَلِيِّ علیه‌السلام»^۲ است.

خداوند در آیه ۱۲۴ بقره، به مقام امامت «آل محمد» به طور ضمنی اشاره می‌فرماید. حضرت علیه‌السلام نیز در فراز پیش‌گفته، با آوردن نام اهل‌بیت به گزینش الهی این منصب تصریح می‌نماید؛ همان‌گونه که در دعای دوم با تصریح به نام پیامبر، «محمد» را مصادقی برای امام آیه ۱۲۴ بقره معرفی می‌کند. بدین ترتیب با تلفیق بین متنی صحیفه: «مُحَمَّدٍ... صَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ»^۳ و «اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ»^۴ می‌توان امامت اهل‌بیت را اثبات کرد که طبق اصطفا و گزینش الهی از برگزیدگان «آل ابراهیم» هستند و در آیه ۳۳ آل‌عمران بر این مقام ایشان تصریح شده است. این بزرگواران با توجه به آیه تطهیر، مصادق اکمل «امام» در آیه ۱۲۴ بقره هستند؛ چراکه هرگز ستم نمی‌کنند.

۱-۱-۲. علم امام

امام سجاد علیه‌السلام با تصریح بر این مهم که اهل‌بیت پیامبر علیه‌السلام خازنان علم الهی

۱. بقره: ۱۲۴.

۲. فیض کاشانی، محمد محسن، الصافی، ۱/ ۱۸۷-۱۸۸؛ عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۱۲۲/۱.

۳. دعای ۲/ فراز ۳.

۴. دعای ۴۷/ فراز ۵۶.

هستند که از طرف خداوند به این مقام منصوب شده‌اند، این گونه: «... أَهْلُ بَيْتِهِ... جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ»^۱ مصداق اعلا و اکمل این آیه: «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۲ را مشخص می‌نماید. «خَزَنَةَ» جمع «خازن» به این معناست: ضبط و نگه‌داری کردن در محل معین، خواه امر مادی ذخیره شود یا امر معنوی و خواه مخزن جسمی باشد یا روحی.^۳ منظور از «خزنه» وجود شریف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است که علم الهی را از آلوده شدن با افکار نااهلان صیانت می‌کنند.^۴

آیه به یک اصل عمومی عقلایی دلالت دارد و آن وجوب رجوع جاهل بر عالم است.^۵

در روایات نیز مراد از «اهل الذکر» ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند.^۶ به استناد بیشتر روایات فریقین، اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مصادیق بارز اهل ذکرند.^۷ امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ بر این مهم که خداوند اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را گنجینه دار علم خویش^۸ و علوم قرآنی (وَ عَلَى آلِهِ الْخُزَّانِ لَهٗ)^۹ قرار داده است، تصریح می‌نماید. لذا اهل بیت به سبب علم الهی و ربانی از مصادیق بارز «اهل ذکر» می‌باشند.

۱-۱-۳. اقامه دین الهی

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ در دعای عرفه نیز اهل بیت جد بزرگوارش را که به خاطر مقام عصمت، نفوس پاکشان گنجینه علم الهی گشته، شایسته نگاهی از حریم دین

۱. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۲. نحل: ۴۳.

۳. مصطفوی، حسن، التحقيق، ۳ / ۵۳.

۴. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، ریاض السالکین، ۶ / ۳۷۳.

۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۲ / ۲۵۹.

۶. فیض کاشانی، محمدمحسن، الصافی، ۳ / ۳۳۱؛ بحرانی، هاشم، البرهان، ۳ / ۸۰۲-۸۰۳.

۷. حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، ۱ / ۴۳۲.

۸. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۹. دعای ۴۲ / فراز ۶.

الهی و اجرای قوانین پروردگار می داند و با آوردن عبارت «أَقِمَّ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ»^۱ برای آیه «أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...»^۲ بیان مصداق می نماید.

در مورد «وحی تشریحی» در آیه پیش گفته از چهار پیامبر اولوالعزم به صورت غائب با تعبیر «وصی» یاد شده است و فقط پیامبر خاتم با تعبیر «أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» مورد خطاب واقع شده است که بیانگر کامل بودن و شمولیت دین اسلام نسبت به سایر شرایع است.^۳ منظور از «اقامه دین» عبارت است از عمل به آن و حفظ و دعوت به سوی آن.^۴

امام علیه السلام در صدد است که مصادیق جدیدی برای آیه سیزده سوره شوری معرفی نماید؛ بدین معنا که ائمه معصومین از آل رسول علیهم السلام - در تداوم خط رسالت - وظیفه اقامه دین و احیای آن در جامعه را بر عهده دارند. خداوند در این آیه، وظیفه مشترکی را برای پنج پیامبر صاحب شریعت در نظر گرفته است که همان به پاداشتن دین الهی می باشد و با عبارت «أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ» اهمیت و متمایز بودن شریعت نبوی را از سایر انبیا آشکار می سازد. امام سجاد علیه السلام در فراز قبلی با «فاء» فصیحانه نشان می دهد که ولی خدا همان امام معصوم است که نام آن را در فراز قبلی آورده است.

از وحدت سیاق فرازهای ۵۶ تا ۶۲ می توان دریافت که اهل بیت ولی خدا و امام امت می باشند؛ چراکه حضرت علیه السلام به رسالت و وظیفه خطیر ایشان که حفظ دین و شریعت می باشد تصریح می نماید^۵ و این بزرگواران را تنها و برترین افرادی که بعد از نبی خدا صلی الله علیه و آله به پادارنده قرآن و احکام و حدود الهی هستند معرفی می نماید.

۱. دعای ۴۷ / فراز ۶۲.

۲. شوری: ۱۳.

۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۲۸/۱۸.

۴. قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، ۴۶۷/۹.

۵. دعای ۴۷ / فراز ۶۲.

۱-۴. هدایتگری امام

امام سجاد علیه السلام در راستای وظیفه‌ی خطیر خود، در جهت شناساندن امام جامعه به شیوه‌ی تمثیل، نقش هدایتی ائمه‌ی معصومین را این‌گونه: «... بامامِ اَقَمْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ»^۱ به تصویر می‌کشد و برای آیه‌ی «وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»^۲ تعیین مصداق می‌کند.

«عَلَم» در لغت به معنای کوه مرتفع^۳ یا پرچمی است که سربازان اطراف آن جمع می‌شوند و به وسیله‌ی آن راه می‌یابند و هدایت می‌شوند.^۴ در همه‌ی این تعاریف، خارج از موضوع مادی و معنوی، قید راهیابی مشترک است. همان‌گونه که زندگی بدون نشانه و علامت‌های مادی در غایت اشکال خواهد بود،^۵ در مورد نشانه‌های معنوی این قضیه جدی‌تر است؛ چراکه مردم به وسیله‌ی هدایت امام هدایت می‌شوند.^۶ هم‌چنین با توجه به ظرفیت قرآن که تاب معانی گسترده‌ای را دارد، به علاوه با در نظر گرفتن معنای لغوی واژه «نجم»^۷ و با وجود فعل «يَهْتَدُونَ» و قرائن موجود دیگر از جمله سیاق آیات قبلی^۸ که هدایت معنوی را عنوان می‌نماید،^۹ علت به‌کارگیری این تعبیر استعاری از سوی خداوند بیشتر روشن می‌شود. یعنی مراد اصلی خداوند در آیه‌ی شانزده سوره‌ی نحل، «هدایت معنوی» است.

در تأیید کلام الهی، در این فراز، «امام» به «عَلَم» و «مناره» تشبیه شده است که از نوع تشبیه بلیغ می‌باشد. از این نوع تشبیه برای تأکید و مبالغه در شباهت بیشتر

۱. دعای ۴۷ / فراز ۶۰.

۲. نحل: ۱۶.

۳. فراهیدی، خلیل، العین، ۲ / ۱۵۲.

۴. همان، ص ۱۵۳.

۵. قرشی، علی‌اکبر، احسن الحدیث، ۵ / ۴۱۷.

۶. مدرسی چهاردهی، محمدعلی، شرح صحیفه‌ی سجادیه، ص ۶۳۸-۶۳۹.

۷. «نَجْم» یعنی هر چیزی که نمایان شود و به سوی بلندی حرکت کند؛ ستاره باشد یا گیاه؛ مادی باشد یا معنوی» مصطفوی، حسن، التحقیق، ۱۲ / ۴۳.

۸. نحل: ۹.

۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۲ / ۲۱۸.

بین مشبه و مشبه به استفاده می‌شود. ضمیر «هاء» در «أَقَمَّتَهُ» به کلمه قبل خود یعنی «بِامام» برمی‌گردد. حضرت با عبارت «أَقَمَّتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ» مصداق اعلای «عَلَامَات» را وجود امامی که خداوند خود، اطاعت از او را واجب نموده است و حلقه اعتصام مؤمنان است، معرفی می‌نماید.^۱ هم چنین حضرت با تشبیه «امام» به «مناراً فی بِلَادِكَ» مصداق دیگری برای «نجم» معرفی می‌نماید و تفسیر دقیقی از آیه عنوان می‌کند؛ بدین صورت که با توجه به مفهوم «مناره» و کاربرد آن که با ارتفاع بلند و مشعل روشن برای هدایت مسافران در شب استفاده می‌شده است، منظور از مناره همان مفهوم کنایی «نجم» در آیه شانزده سوره نحل است؛ چراکه ستارگان نیز نشانه هدایت شبانه هستند. یعنی بعد از پیامبر، ائمه مصادیق دیگر «نجم» هستند. در بررسی انجام شده در تفاسیر روایی مشخص شد که اکثر روایات تفسیری، علامات را ائمه و نجم را رسول خدا تفسیر کرده‌اند؛ به طور مثال در این روایت: «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْعَلَامَاتُ الْأَيُّمَةُ ع». ^۲

امام سجاد ع با به‌کارگیری دو تعبیر تمثیلی در کنار هم، «عَلَم» و «مَنَارَه»، می‌کوشد که گستره دایره هدایت امام معصوم را مشخص کند و توانسته است با تشبیه آن به هدایت در روز و شب، هدایت همه‌جانبه ایشان را در امور مختلف ترسیم کند. آن حضرت با به‌کارگیری تعابیری کوتاه، امام را به عنوان مصداقی فراگیر معرفی کرده که در بردارنده تمامی نظرات روایات تفسیری^۳ آیه شانزده سوره نحل است. این خود نشان از فصاحت و بلاغت صحیفه است که با جمله‌ای کوتاه، حقایق ناب به دست می‌دهد. هم چنین کلام حضرت در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی از روایات تفسیری هم مضمون، نقش بسزایی دارد. حضرت سجاد ع در راستای

۱. دعای ۴۷ / فراز ۶۰.

۲. فیض کاشانی، محمد محسن، الصافی، ۳ / ۱۲۹؛ عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۴۵ / ۳ - ۴۶.

۳. تعبیر کوتاه امام سجاد ع می‌تواند تأییدی بر تعداد محدودی از روایات تفسیری نیز باشد که مراد از نجم را حضرت علی ع یا در مصداقی کلی‌تر، ائمه ع دانسته‌اند؛ رک: عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۴۵ / ۳ - ۴۶.

بیان نقش هدایتگری امام، با عبارت «أَهْلُ بَيْتِهِ... وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ»^۱ مصداق بارز اصطلاح قرآنی «وسیله» در آیه «... وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...»^۲ را اهل بیت پیامبر ﷺ معرفی می‌کند.

آن حضرت در راستای بیان نقش هدایتگری امام، گاه به شیوه اشاری^۳: «وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا...»^۴، گاه با تصریح به نام «امام»: «بِإِمَامٍ... وَجَعَلْتَهُ الدَّرَجَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ»^۵ و گاه با تصریح به «آل محمد»: «أَنَّهُجَتْ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ»^۶ یا «اهل بیت»: «أَهْلُ بَيْتِهِ... وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ...»^۷ و در نهایت با عنوان کردن نام و راه امام: «... وَالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا»^۸ برای آیات: «لَيْسَ الرِّبَّيَانُ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الرِّبَّيَانَ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»^۹ و «... وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...»^{۱۰} تعیین مصداق می‌نماید. روایات زیادی در کتب تفسیری مبنی بر این مضمون که منظور از «ابواب»، امامان معصوم ﷺ هستند، وجود دارد.^{۱۱}

ظاهر آیه طبق شأن نزول، رسم غلط جاهلی که ورود از پشت خانه‌ها در ایام حج است را نفی می‌کند؛ اگرچه خداوند با مطرح کردن این نکته که نیکی به رعایت تقوای الهی است به طور ضمنی به فحوای آیه اشاره کرده است. در آیه ۳۵ مائده

۱. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.
۲. مائده: ۳۵.
۳. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، ریاض السالکین، ۲۵/۷.
۴. دعای ۴۷ / فراز ۷۲.
۵. دعای ۴۷ / فراز ۶۰.
۶. دعای ۴۲ / فراز ۸.
۷. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.
۸. دعای ۴۹ / فراز ۱۶.
۹. بقره: ۱۸۹.
۱۰. مائده: ۳۵.
۱۱. بحرانی، هاشم، البرهان، ۴۰۷/۱-۴۰۸؛ عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۱۷۷/۱-۱۷۸.

نیز «وسیله» بدون هیچ قیدی به طور مطلق آمده است؛ اگرچه در آخرایه از آن به عنوان راهی به سوی رستگاری یاد شده است.

«ابواب» جمع باب به معنای محل داخل شدن به خانه، در این جا استعاره از وسیله‌ای است که انسان با آن به سوی [خدا] متصل می‌شود.^۱ امام ابتدا با تعدیل فعل «أَتُوا» به «أَتَيْتُكَ» برآمدن به درگاه الهی تصریح می‌نماید که جز با اطاعت و تقرب جستن به سوی [خدا] میسر نمی‌شود^۲ و این خود، تعیین مصداق برای آیه ۱۸۹ بقره است.

سیاق عبارات بعدی دعا نیز بیان مصداق برای آیات مورد نظر است: «وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يُقْرَبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ...»^۳. در این جا حضرت ﷺ با تصریح به این مهم که «وسیله‌ها» سبب تقرب خاصه به درگاه الهی می‌شوند، به طور ضمنی به مسئله امامت اشاره می‌نماید. ایشان در فرازهای قبلی با تصریح به نام «امام» از ایشان به عنوان ریسمانی یاد می‌کند که رشته پیمان‌ش به رشته پیمان الهی متصل است و وسیله‌ای برای دستیابی به خشنودی خداوند می‌باشد (... و جَعَلْتَهُ الدَّرَجَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ)^۴ و در دعای ختم قرآن نیز از آل محمد ﷺ به عنوان راهنمایی که موجب آشکار شدن راه‌های خشنودی خداوند می‌باشند، یاد می‌نماید: «أَنْهَجْتِ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ»^۵.

با جمع‌بندی این چند فراز که از لحاظ مضمونی با هم شباهت دارند، می‌توان دریافت که حضرت، تنها راه روی آوردن و تقرب جستن به سوی خدا را مقام والای محمدی و طریقت پاک و بی‌آلایش علوی معرفی می‌نماید: «اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَالعُلُوِّيَّةِ البِيضَاءِ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمَا»^۶.

۱. مدنی شیرازی، سیدعلی‌خان، ریاض السالکین، ۲۴/۷.

۲. همان.

۳. دعای ۴۷ / فراز ۷۲.

۴. دعای ۴۷ / فراز ۶۰.

۵. دعای ۴۲ / فراز ۸.

۶. دعای ۴۹ / فراز ۱۶.

این فراز نیز مصداق بارز و روشن دیگری برای واژگان «ابواب» و «وسیله» در آیات مورد نظر است.

۱-۱-۵. بهره‌مندی امام از برترین درودها

از فحوای مجموع پیام‌هایی که در صلوات‌های خاص صحیفه نهفته است برمی‌آید که اهل بیت پیامبر ﷺ بعد از ایشان پاکان و برگزیدگان الهی هستند که خداوند پیروی و اطاعت از راه و سخنشان را واجب نموده است.^۱ لذا ایشان مصداق بارزی برای این بخش از آیه ۳۳ احزاب: «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» نیز می‌باشند؛ در حالی که در روایات تفسیری مرتبط، از اهل بیت ﷺ نامی برده نشده است: «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، فانه یعنی التسليم له فیما ورد عنه.^۲ در برخی موارد نیز با لفظ «ولایت» تنها به طور ضمنی به ایشان اشاره شده است: «وقوله تعالی: «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی سلموا له بالولاية و بما جاء به».^۳

حضرت سجاد ﷺ در یک صلوات خاصه که فقط مختص اهل بیت پیامبر ﷺ است، ایشان را برای مسئولیت‌ها و مقام‌های ذیل، از جانب خداوند معرفی می‌نماید: جانشینی خداوند در زمین، گنجینه‌دار علم الهی، حافظ دین و شریعت، حجت خدا بر بندگان، دارای مقام عصمت، وسیله‌ای برای رسیدن به مقام قرب خدا و راهی برای وصول بهشت.^۴ این ویژگی‌ها که برخی شروط مهم امامت است، می‌تواند دلیل متقنی بر اطاعت بی‌چون و چرا از اهل بیت به عنوان امامان معصوم باشد.^۵

بیان این ویژگی‌ها بعد از درود خاصه بر اهل بیت ﷺ، گستره دایره دلالتی آیه تحیت را مشخص می‌نماید. یعنی اهل بیت پیامبر ﷺ بعد از ایشان، مصداق بارز آیه

۱. دعای ۳۴ / فراز ۵.

۲. بحرانی، هاشم، البرهان، ۴ / ۴۸۸.

۳. عروسی حویزی، عبدعلی، نور الثقلین، ۴ / ۳۰۰.

۴. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۵. نساء: ۵۹.

تحیت هستند که علاوه بر استحقاق درودهای خاصه، باید بی چون و چرا از ایشان پیروی کرد: «سَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۱! بنابراین صحیفه به عنوان منبعی متقن، در روشن سازی مفهوم آیات، نقش بسزایی ایفا کرده است. علاوه بر این که کیفیت صلوات را می توان از صلوات های صحیفه آموخت، مصادیق دیگری نیز برای آیه تحیت در صحیفه بیان شده است.

نمونه هایی در کلام امام یافت می شود که مصداق انحصاری آیه ای را، اهل بیت علیهم السلام معرفی می کند. این موارد در زمره جری و تطبیق اصطلاحی به شمار نمی آیند، اما به جهت مناسبت اندکی که بین این مصادیق با بحث اصلی وجود دارد، در ادامه به این موارد اشاره می کنیم.

برخی آیات، دارای مصادیق منحصر به فردند؛ یعنی منحصرأً قابل تطبیق بر مصداق خاصی هستند و بر غیر آن، قابل تطبیق نیستند. به این مصادیق، مصداق انحصاری می گویند.^۲ درباره آیات تطهیر و اکمال، قریب به اتفاق مفسران شیعی، اهل بیت علیهم السلام را مصداق انحصاری می دانند.

۱-۱-۶. عصمت

عصمت یکی از اصلی ترین شرایط امامت است؛^۳ زیرا وظیفه خطیر هدایتگری امام حکم می کند که معصوم باشد؛ چون در غیر این صورت، باعث گمراهی مردم می شود.^۴ اگر امام معصوم باشد، سایر صفات کمالیه چون علم، شجاعت و عدالت نیز برای ایشان اثبات می شود.^۵

امام سجاد علیه السلام در راستای اثبات عصمت اهل بیت علیهم السلام در ابتدای فراز ۵۶ دعای عرفه، کلام خود را با اسم جمع «أَطَّاب» آغاز می نماید و می فرماید: «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ

۱. احزاب: ۵۶.

۲. همان.

۳. جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، ص ۳۸۰.

۴. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۳۶۴.

۵. بحرانی، میثم، قواعد المرام، ص ۱۷۹.

أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ...»^۱. «أَطَائِبِ» از ریشه «طیب» در اصل به معنای هر چیز لذت بخش برای حواس و نفس می باشد.^۲ این واژه، سپس در معانی منزه بودن از نقائص و دوری از زشتی ها و متصف بودن به صفات کمال استعمال شده است. این معانی نیز با معنای اصل لغت ارتباط دارد؛ زیرا شرط لذت بردن فرد این است که آن چه ناپسند می داند، رها کند.^۳

با توجه به معنای لغوی «أَطَائِبِ» نیز منظور، اهل بیتی است که منزه از نقائص و دور از زشتی ها و متصف به صفات کمالیه می باشند. هم چنین سیاق عبارات در همین فراز که در آن ویژگی های مختص اهل بیت علیهم السلام از جمله: «الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، حَزَنَةَ عِلْمِكَ، حَفْظَةَ دِينِكَ، خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ...»^۴ بیان شده است، اهل بیت ذکر شده در آیه تطهیر را شایسته مقام امامت معرفی می نماید.

چنینش این اوصاف در کنار هم، معیار دقیقی برای شناختن مصادیق واقعی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به دست می دهد؛ به شکلی که چیدمان الفاظ و کلمات حضرت علیهم السلام در این فراز به مخاطبان در هر زمان درس امام شناسی می آموزد. هم چنین «أَطَائِبِ» - که اضافه بیانیه است - صفت برای موصوف «أَهْلِ بَيْتِهِ» می باشد؛ یعنی از صنعت براعت استهلال^۵ استفاده شده است. حضرت علیهم السلام قبل از اشاره به آیه تطهیر، به طور ضمنی ذهن مخاطب را از پیش، به مضمون آیه تطهیر و هم چنین ماجرای مربوط به شأن نزول صحیح این آیه سوق می دهد. امام علیهم السلام از این شیوه ایحایی برای بیان مضامین سیاسی و اجتماعی و تحلیل شرایط زمان

۱. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۵۲۷.

۳. مدنی شیرازی، سیدعلی خان، ریاض السالکین، ۳۷۱/۶.

۴. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۵. در ادبیات عرب، براعت استهلال در اصطلاح یعنی آن چه شاعر یا نویسنده، در ابتدای کلامش می آورد که بر مقصود کلامش دلالت دارد و این مطلب به صورت اشاره - نه تصریح - بیان می گردد (هاشمی، احمد، تهذیب جواهر البلاغة، ص ۲۲۲).

خود و نشان دادن چهره حقیقی حاکمان زمان خویش استفاده می‌نماید؛ چراکه شرایط سیاسی آن زمان به ایشان اجازه نمی‌داد تا این مضامین را به طور آشکار مورد بررسی قرار دهد. ایشان با تأکید روی قداست و پاکی اهل بیت، گویا به نوعی اعتراض خود را بر کسانی که بعد از رحلت پیامبر ﷺ بر خاندان معصوم ایشان ستم‌ها روا داشته‌اند، اعلام می‌دارد.

۱-۷. ضرورت پیروی از امام

با استفاده از اتحاد معنایی سیاق درون‌متنی صحیفه می‌توان دریافت که امام سجاد علیه السلام در قالب دعا از طریق اشاری واژگان «امام» و «ائمه» را بر «عتره النبی» منطبق می‌کند و از این طریق، مصادیق اصطلاح قرآنی «اولوالامر» را بیان می‌دارد: «امام» و «ائمه»: «... الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ حَتَمْتَ طَاعَتَهُمْ...»؛^۱ «عتره النبی»: «... مُحَمَّدٍ وَعِترَتِهِ... وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ».^۲ چنان‌که مشاهده می‌شود، هر سه فراز بر مفهوم مشترکی دلالت دارند؛ این‌که خداوند خود دستور اطاعت از امام و عتره النبی را رسماً صادر نموده و اطاعت ما از ایشان به امر الهی است. هر سه فراز به آیه اولوالامر اشاره دارد. لذا منظور حضرت علیه السلام از امام و ائمه همان عتره النبی است که اطاعت از ایشان برابر با اطاعت خداوند است (وَصَلَّتْ حَبْلُهُ بِحَبْلِكَ)^۳ و خداوند در قرآن بعد از اطاعت از خود و رسولش، اطاعت از ایشان را واجب نموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ».^۴

امام سجاد علیه السلام در پنجمین فراز دعای ۳۴، «عتره النبی» را به عنوان برگزیدگان و بهترین مخلوقات الهی، معرفی می‌نماید و در ادامه، با تعبیر کنایی «و مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ»^۵، اشاره به آیه اولوالامر دارد. عبارت اشاری فوق، علاوه بر تفسیری بر آیه

۱. دعای ۴۸ / فراز ۱۲.

۲. دعای ۳۴ / فراز ۵.

۳. دعای ۴۷ / فراز ۶۰.

۴. نساء: ۵۹.

۵. دعای ۳۴ / فراز ۵.

مورد نظر، بیان مصادیق انحصاری آن است. یعنی «عتره النبی» که با صفات «الصِّفْوَة، خَيْرَتِكَ وَمِنْ بَرِّيَّتِكَ الظَّاهِرِينَ»^۱ از دیگر مخلوقات متمایز شده‌اند، همان اولوالامری هستند که بعد از اطاعت از خدا و رسول، باید فقط از دستوره‌های ایشان تبعیت کرد.

هم‌چنین آن حضرت علیه السلام در فراز ۶۰ دعای عرفه، به ویژگی‌هایی در مورد «امام» اشاره می‌نماید که با ویژگی‌های مطرح‌شده در فراز ۵۶ همخوانی دارد و برخی از آنها تفسیر و تبیین یکدیگرند؛ بدین صورت که ابتدا حضرت در فراز ۵۶، هشت ویژگی مختص اهل بیت علیهم السلام به عنوان مقدمه بحث امامت عنوان می‌دارد. بعد در فراز ۶۰ نیز با ذکر ویژگی‌های دیگری، ایشان را به عنوان امام حق و معصوم معرفی می‌نماید. به تعبیری دیگر، مصداق اکمل واژه «امام» در فراز ۶۰ همان اهل بیت محمد علیهم السلام می‌باشد که در فراز ۵۶ نام ایشان با صفت اطائب عنوان شده است. براین اساس، منظور حضرت از واژه «ایمام» همان ائمه معصومین علیهم السلام از خاندان نبوی می‌باشد. حضرت در جهت تبیین و معرفی مصادیق واقعی آیات مورد نظر، در دعای عید قربان نیز با درودی ویژه بر اهل بیت پیامبر علیهم السلام از ایشان به عنوان ابرار و پاکان و برگزیدگان الهی یاد می‌کند.^۲

۱-۲. کارکرد تعلیل آیات

بهره‌گیری از مجموعه روایات معصومان علیهم السلام در موارد متعددی به درک عمیق لایه‌های معنایی آیات و تسلطیابی بر تفصیل جزئیات و دلایل آموزه‌های کلامی موجود در قرآن کریم می‌انجامد. این کارکرد روایات، کارکرد تعلیلی نامیده می‌شود. در برخی از فرازهای صحیفه سجاده، امام سجاد علیه السلام در قالب دعا مطالبی را عنوان می‌دارد که با کنکاش در محتوای آنها و کنارهم قرار دادن سیاق عبارات، می‌توان از آنها در تعلیل آیات قرآنی استفاده کرد. این مهم خود در تبیین و روشن سازی آیات نیز تأثیر بسزایی دارد.

۱. دعای ۳۴ / فراز ۵.

۲. دعای ۴۸ / فراز ۳.

۱-۲-۱. برهان آوری درباره آیه تطهیر

امام چهارم علیه السلام به شیوه سلبی مسئولیت‌هایی را برای امام عنوان می‌دارد؛ از جمله اجرای احکام و حدود الهی در جامعه،^۱ نصب العین قرار دادن و عمل به دستورات قرآن، اجرا و عمل به واجبات الهی و ساختن جامعه‌ای بر پایه قرآن و سنت نبوی. ایشان هم‌چنین در دعای عرفه به این مهم که اهل بیت پیامبر علیهم السلام برگزیدگان برای قیام به امر الهی هستند، تصریح می‌نماید.^۲ این وظایف در کنار مسئولیت خطیر حفظ دین، اگر بخواهد در جامعه‌ای به طور دقیق عملیاتی و اجرا شود، لازمه اش این است که شخص متصدی این امر که پیشوای امت اسلامی است، از لغزش و اشتباه به دور و مجهز به صلاح عصمت باشد. در غیر این صورت در بزرگراه‌ها باعث لغزش و انحراف خود و دیگران از مسیر حق می‌گردد که این امر با اصل وجوب اطاعت از اوامر و نواهی امام (... وَ أَمَرْتُ بِأَمْتِئَالِ أَوْامِرِهِ، وَ الْإِئْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَ أَلَّا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ، وَ لَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ)^۳ در تضاد است.

لذا امام سجاد علیه السلام قبل از فراز پیش‌گفته، وظایف و مسئولیت‌های خطیر اهل بیت علیهم السلام را عنوان می‌دارد که برهان آوری بر علت نزول آیه تطهیر است. به همین منظور، بعد از بیان این وظایف به آیه تطهیر اشاره می‌کند. هم‌چنین برای اثبات مقام عصمت اهل بیت علیهم السلام، با چیدمان واژگان «الصَّفْوَةِ وَ خَيْرَتِكَ، مِنْ بَرِيَّتِكَ الظَّاهِرِينَ»،^۴ صفاتی را برای «عتره النبی» مطرح می‌نماید که متمایز بودن این افراد از سایرین را مشخص می‌کند و این خود تعلیلی بر نزول آیه تطهیر در مورد ایشان می‌باشد. یعنی پاکی و برگزیدگی و بهترین مخلوقات الهی بودن، برهانی بر نزول آیه تطهیر درباره اهل بیت پیامبر علیهم السلام است؛ چراکه از ملزومات بهترین و برگزیده‌ترین مخلوقات بودن، پاکی و عصمت از خطا و اشتباه است. لذا این آیه، فقط در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است.

۱. دعای ۴۸ / فراز ۹.

۲. دعای ۴۷ / فراز ۵۷.

۳. دعای ۴۷ / فراز ۶۰.

۴. دعای ۳۴ / فراز ۵.

۱-۲-۲. برهان آوری درباره آیه اولوالامر

حضرت سجاد علیه السلام در فراز پنجم از دعای ۳۴، بعد از بیان ویژگی‌هایی برای عترت النبی: «... وَصَلَّ عَلَيَّ خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَشْرَتِهِ الصَّفْوَةِ مِنْ بَرِيَّتِكَ الظَّاهِرِينَ...»^۱، در جملات آخر همین فراز، تلمیحی به آیه اولوالامر دارد: «وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ». آن حضرت با تصریح برنام عترت النبی و در دعای عرفه با تصریح برنام اهل بیت،^۲ علاوه بر بیان مصادیق اولوالامر آیه ۵۹ سوره نساء، تعلیلی بر آن نیز دارد. یعنی اهل بیت و عترت النبی که با صفاتی همچون خالص و پاک بودن از میان آفریدگان،^۳ برگزیدگان الهی،^۴ خازنان علم الهی و عالمان قرآنی - «وَ عَلَيَّ إِلَيْهِ الْخُزَّانُ لَهُ» -،^۵ وارثان علم تفسیرشده قرآنی - «وَوَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا» -،^۶ حافظان دین خدا،^۷ جانشینان خدا در زمین،^۸ حجت خدا بر بندگان^۹ و در نهایت، مقام عصمت که همه از طرف خداوند برای ایشان قرار داده شده است، چنین مقامات والایی دارند، بی‌شک نسبت به سایر خلائق برای زعامت امور اصلاح‌اند. به همین خاطر، عترت النبی حافظان خوبی برای دین الهی هستند. این فضایل، علت و لزوم اطاعت از ایشان را روشن می‌سازد. اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که به خاطر مقام عصمت مصون از هر خطایی هستند و خداوند ایشان را نگهبان علم خویش قرار داده است - یعنی به وسیله ایشان دین الهی از علائم شیاطین و تبدیل و تحریف حفظ می‌شود - بهترین و برگزیده‌ترین مخلوقات عالم امکان می‌باشند؛ لذا شایستگی اطاعت دارند.

۱. دعای ۳۴ / فراز ۵.
۲. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.
۳. دعای ۳۴ / فراز ۵.
۴. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.
۵. دعای ۴۲ / فراز ۶.
۶. دعای ۴۲ / فراز ۵.
۷. همان.
۸. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.
۹. همان.

هم چنین امام سجاد علیه السلام در قالب صلوات، به فضایل و مقامات والای اهل بیت علیهم السلام تصریح می‌کند؛ تا جایی که به صورت قسم به مردم متذکر می‌شود که اطاعت از اهل بیت پیامبر علیهم السلام را اطاعت از خداوند و نافرمانی از ایشان را نافرمانی از خداوند بدانند.^۱ اینها همه دلایلی است بر لزوم اطاعت از اهل بیت و گوش به فرمان ایشان بودن به عنوان صاحبان امر: «وَاجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ».^۲

امام سجاد علیه السلام در جهت تأکید بر لزوم اطاعت از اهل بیت علیهم السلام، در ادامه دعای عرفه، بر شیعیان و دوستان اهل بیت که با جان و دل پیشوایی ایشان را پذیرفته‌اند، همان کسانی که پای در جای پای ایشان گذاشته و سر تسلیم فرود آورده‌اند و در راه اطاعت و فرمانبرداری از ایشان تلاش و کوشش می‌کنند و از راه و روش امام معصوم پیروی می‌کنند، درود می‌فرستد.^۳

۱-۲-۳. برهان آوری درباره علم امام

زین العابدین علیه السلام در بیان ویژگی علمی اهل بیت جد بزرگوارشان، با آوردن فعل «جَعَلْتَهُمْ» به الهی بودن منصب علمی ایشان (حَزَنَةَ عِلْمِكَ)^۴ تصریح دارد. مرجع ضمیر «هم» در «جَعَلْتَهُمْ» به «اهل بیت» برمی‌گردد. فراز مورد نظر تعلیلی بر آیه «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ»^۵ است.

می‌توان اذعان داشت که خداوند، اهل بیت علیهم السلام را گنجینه‌های علم خویش قرار داده و به همین خاطر، به مردم گوشزد کرده است، مسائلی را که نمی‌دانند، از ایشان بپرسند. حضرت در ادامه این فراز، به مقام خلافت الهی اهل بیت تصریح می‌کند و در آخرین جملات، با اشاره به آیه تطهیر، کلام خویش را تقویت می‌کند و بر آن تأکید می‌نماید؛ زیرا جانشینان خداوند در روی زمین، باید به مقام عصمت

۱. دعای ۴۷ / فراز ۸۶.

۲. دعای ۳۴ / فراز ۵.

۳. دعای ۴۷ / فراز ۶۴.

۴. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۵. نحل: ۴۳.

متصف باشند تا بتوانند حافظ و نگهبان علم الهی باشند؛ علمی که خداوند در وجود آنها به ودیعه نهاده است.

هم چنین در دعای ختم قرآن نیز امام علیه السلام با آوردن این عبارات: «وَعَلَى آلِهِ الْخِزَانُ لَهُ»،^۱ علاوه بر بیان مصداق اکمل آیه «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»،^۲ تعلیلی بر آیه ۴۳ نحل دارد؛ چراکه با وجود احاطه علمی اهل بیت علیهم السلام به علوم قرآنی، لازم است که مردم پاسخ ندانسته های خود را نزد ایشان بجویند.

بیان صریح امام سجاد علیه السلام در مورد علم ربانی ائمه علیهم السلام: «وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ»^۳ و علم تفسیرشده قرآنی ایشان: «وَوَرَّثَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا»^۴ که نشان می دهد خداوند ائمه را وارث علم اجمال، تفصیل، تفسیر و تأویل قرآن قرار داده، تأییدی بر مطالب پیش گفته است. حضرت در ادامه به خداوند عرضه می دارد: «وَفَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ جَهَلَ عِلْمَهُ، وَقَوَّيْتَنَا عَلَيْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمْلَهُ».^۵ یعنی اهل بیت به واسطه علم تفسیر که تعلیمی است و از طریق موروثی از پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان منتقل شده، بر هر که نادان به علم آن است، برتری دارند و قدرتی بدیشان عطا شده که برتر از کسانی اند که طاقت حمل قرآن از لحاظ علم یا عمل را ندارند. موارد پیش گفته دلایلی دیگر برای مقام والای علمی اهل بیت علیهم السلام است که به سبب این علوم، قادرند پاسخ های درست و منطقی برای سؤالات مردم ارائه دهند.

۱-۲-۴. برهان آوری درباره سرپرستی امام در جامعه

قدرت به مثابه یکی از اساسی ترین مفاهیم در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، در کنار ولایت، برای سرپرستی امر جامعه، امری لازم برشمرده شده است.^۶ با توجه به

۱. دعای ۴۲ / فراز ۶.

۲. رعد: ۴۳.

۳. دعای ۱ / فراز ۱۰.

۴. دعای ۴۲ / فراز ۵.

۵. دعای ۴۲ / فراز ۵.

۶. باقری، سیدکاظم، قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم، ص ۲۷-۴۲.

اهمیت «قدرت سیاسی» حضرت سجاد علیه السلام با هدف رشد و ارتقای جوامع بشری، برای پیشبرد قدرت اجرایی ائمه معصومین علیهم السلام در جامعه از خداوند به شیوه‌های گوناگون مدد می‌جوید.^۱

ایشان از اصل امامت چنین یاد می‌کند: «... الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ حَتَمَتَّ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكُ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ». ^۲ از این عبارت استفاده می‌شود که:

تحقق و فعلیت امامت در جامعه در صورتی است که امام معصوم «بسط ید» داشته باشد؛ یعنی قدرت را در دست داشته باشد.^۳

چند احتمال در مورد معنای این جمله وجود دارد: الف) دین جامع و کامل که شامل توحید و ولایت برای نبی و آل ایشان است و مرجع ضمیر در «يَدَيْهِ» کسی است که این دین را جاری می‌سازد. ب) نصرت و تمکین.^۴ ج) «ذَلِكُ» یعنی توحید.^۵ د) «ذَلِكُ» یعنی توحید.^۶

این فراز، برهان‌آوری برای اولوالعمر است؛ زیرا ضرورت اطاعت از امام بدان جهت است که وی، متصدی اجرا و مسئول پیاده‌کردن دین الهی در جامعه است و به اصطلاح، همه مسئولیت‌های دینی و اجرای آن با دستان قدرتمند وی انجام می‌گیرد. تعبیر اشاری «حَتَمَتَّ طَاعَتَهُمْ» یعنی مؤمن معتقد باید در تمامی امور از ایشان اطاعت نماید؛ یا در معنای وسیع‌تر، «بر هر شخصی، اطاعت از ائمه علیهم السلام واجب شده است». ^۷ به همین دلیل خداوند در آیه ۵۶ نساء، اطاعتشان را بعد از اطاعت از خود و رسولش واجب کرده است. امام سجاد علیه السلام نیز به شیوه قسم، بر اهمیت این مهم تأکید می‌کند که اطاعت از اهل بیت پیامبر علیهم السلام به واقع اطاعت

۱. دعای ۴۷ / فرازهای ۶۳ و ۶۱.

۲. دعای ۴۸ / فراز ۱۲.

۳. برزگر، ابراهیم، درآمدی بر اندیشه سیاسی صحیفه سجادیه، ص ۶۴.

۴. مغنیه، محمدجواد، الکاشف، ص ۵۱۷.

۵. حسینی شیرازی، محمد، شرح الصحیفه السجادیة، ص ۴۰۱.

۶. مدنی شیرازی، سیدعلی‌خان، ریاض السالکین، ۲۱۸/۷.

۷. همان، ۲۱۷/۷-۲۱۸.

از خدا است؛ چنان که نافرمانی از ایشان نیز نافرمانی از خداوند است.^۱ هم چنین حضرت در دعای عید قربان و جمعه، به جایگاه امام جمعه اشاره می‌کند و آن را حق ائمه علیهم‌السلام که خلفا و برگزیدگان و امینان الهی هستند می‌داند؛ چنان که در دعای عرفه این مقام‌ها را برای اهل بیت علیهم‌السلام عنوان نمود.^۲ امام سجاد علیه‌السلام اعلام می‌دارد که خداوند این جایگاه را به ائمه اختصاص داده است؛ در حالی که غاصبان خلافت آن را به زور ربوده و غصب کرده‌اند.^۳ ایشان در ادامه این فراز، تبعات و خساراتی که سرپرستان جور و ستم - با حضور امام معصوم در جامعه (بیرون) - به بار آوردند را افشا می‌نماید. منظور حضرت این است که اگر سرپرستی جامعه به دست امام معصوم باشد و قدرت اجرایی در جامعه به دست قدرتمند ایشان باشد، جامعه اسلامی به نابسامانی‌های جبران‌ناپذیری چون دگرگونی و انحراف در احکام الهی و متروک ماندن قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (... وَ سُنَنَ نَبِيِّكَ مَثْرُوكَةً) دچار نمی‌گردد. به همین خاطر امام سجاد علیه‌السلام در ادامه دعا، تمام بانیان این امر منحوس، از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام گرفته تا اتباع و پیروان سران ظلم و کفر، حتی افرادی که به اعمال ننگین ایشان راضی شدند و سکوت کردند را مورد لعن و نفرین قرار می‌دهد. نیز قابل ذکر است که حضرت از طریق گره زدن عصراموی با اعصار قبل، تصویری بدیع از آیات قرآنی به مخاطب نشان می‌دهد.^۴

۱-۳. کارکرد تبیین آیات

به روایاتی از معصومین که به تبیین آیات و واژگان قرآن کریم و نیز بیان توضیحات

۱. دعای ۴۷ / فراز ۸۶.

۲. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۳. دعای ۴۸ / فراز ۹.

۴. امام سجاد علیه‌السلام در این بخش از دعا، از طریق تصویرسازی و گره زدن جامعه عصراموی به جامعه یهود و عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، برای این آیات، مصادیق جدیدی معرفی می‌فرماید: نساء:

۴۶؛ آل عمران: ۱۸۷؛ فرقان: ۳۰.

بیشتری که به فهم بهتر آیه کمک می‌کند می‌پردازد، روایات تبیینی می‌گویند.^۱ با کنکاش در صحیفه سجاده‌یه، موارد بسیاری یافت می‌شود که در تفسیر و تبیین آیات قرآنی نقش بسزایی دارند. در موضوع مسئولیت‌ها و ویژگی‌های ائمه، دعاهای صحیفه می‌تواند در تبیین آیات مرتبط نقش مؤثری ایفا کند. این مسئله در این تحقیق بررسی شده است.

۱-۳-۱. تبیین ضرورت امام

دلایل قرآنی و روایی زیادی مبنی بر ضرورت وجود امام معصوم در جهت هدایت بشر به سمت کمال وجود دارد. امام سجاد علیه السلام آیه **﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾**^۲ را این‌گونه تبیین می‌نماید: **«اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَتَيْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ...»**^۳. این بخش دعا طی یک قاعده کلی به ضرورت وجود امام در همه زمان‌ها و مکان‌ها و نسل‌ها اشاره می‌کند.^۴

برای «دینک» در دو معنای کلی توحید و دین اسلام متصور است. در معنای اول، امام اعم از نبی یا وصی است که در هر زمان، خداوند خلق را به وسیله وی هدایت می‌کند. در معنای دوم، امام یکی از ائمه معصومین علیهم السلام یعنی اهل بیت و اوصیای پیامبرمان، خاتم النبیین صلی الله علیه و آله است. آیه ۸۵ آل عمران نیز نظر دوم را تأیید می‌کند. آیه ۷ رعد بیانگر این مطلب است که:

زمین هیچ‌وقت از هدایتگری که مردم را به سوی حق هدایت کند، خالی نمی‌شود. یا باید پیغمبری باشد و یا هادی دیگری که به امر خدا هدایت کند.^۵

کلمه «هادی» در متن قرآنی، مطلق است و هر هدایتگری، اعم از پیامبر یا امام یا هادی دیگری را در بر می‌گیرد. لکن واژه «بِإِمَامٍ» در فراز فوق، با توجه به سیاق عبارات

۱. اعرابی، غلامحسین، «تفسیر روایی قرآن از نظر فریقین»، پژوهش دینی، ۱۶/۶۷-۸۲.

۲. رعد: ۷.

۳. دعای ۴۷/فراز ۶۰.

۴. بزرگر، ابراهیم، درآمدی بر اندیشه سیاسی صحیفه سجاده‌یه، ص ۶۴.

۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۱/۳۰۵.

قبلی، خاص تر است. لذا نقش هدایتگری امام از واژه قرآنی «هادٍ» به دست می آید؛ چنان که در سیاق عبارات بعدی همین فراز نیز به نقش هدایتگری امام به صورت تمثیل اشاره شده است. منظور از «یامام» کسی است که جانشین کامل رسول خدا ﷺ باشد و علم قرآن و جمیع علوم انبیا را بداند و از تمامی گناهان، معصوم و پاک باشد. بر این اساس باید گفت حضرت با عبارت «أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَامَامٍ» امام را به عنوان مصداق اعلاّی واژه قرآنی «هادٍ» معرفی کرده است؛ همان امامی که از عترت النبی است و حضورش در تمامی اعصار، لازم و ضروری می باشد. همان طور که مشاهده شد، تقابل دو سویه تفسیری به وجود آمده، نمونه ای از زیبایی های این دو کلام ارزشمند است که هردو، از سرچشمه الهی نشئت گرفته اند. مضمون کلی دو متن در کنار هم این گونه است: در هر زمان و برای هر ملتی، خداوند امامی را برای هدایتگری و یاری دین خود معرفی کرده است. لذا می توان انگیزه امام ﷺ از این توصیف ها که در قالب اقتباس از آیات صورت پذیرفته است را بر توضیح و تبیین حمل کرد.

۱-۳-۲. تبیین مقام عصمت امام

امام سجاد ﷺ با تأکید بر پاکی و قداست اهل بیت ﷺ، هم چنین تأکید بر این مهم که عصمت این بزرگواران با خواست و اراده الهی صورت پذیرفته است، با این عبارات: «وَظَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِزَادَتِكَ»^۲ آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۳ را تبیین فرموده و بر مفاد آن تأکید کرده است.

در آیه ۳۳ احزاب، «رجس» استعاره از گناهان و «طهر» استعاره از تقوا است.^۴

۱. بنا بر قاعده عموم و خصوص در منطق، هر امام معصومی هادی است، ولی هر هدایت کننده ای امام معصوم نیست.

۲. دعای ۴۷ / فراز ۵۶.

۳. احزاب: ۳۳.

۴. زمخشری، محمود، أساس البلاغة، ۳ / ۵۳۸.

حضرت سجاد علیه السلام با اقتباس از آیه تطهیر و تغییراتی چند در ساختار ظاهری آن توانسته است گامی مؤثر در جهت تأکید و تأیید موضوع عصمت مطرح شده در آیه تطهیر بردارد. در ادامه تحقیق، به شرح این مهم پرداخته شده است.

حضرت واژه «الذنس» را به واژه «الرَّجَس»^۱ اضافه کرده است. «ذنس» در لغت به معنای وسخ (چرک) است^۲ که در مورد پارچه و آبرو (الثَّوْبُ و العَرَضُ) به کار می‌رود.^۳ «رجس» در لغت به: الف) چیز پلید و آلوده در چهار وجه: طبع، عقل، شرع و وجه آخر شامل سه وجه قبلی است،^۴ ب) هر چیز پلید و آلوده در عمل،^۵ ج) چیزی که خیری در آن نیست، د) کَفَّار، ه) عمل شیطان و در مورد آیه تطهیر، به شک نیز معنا شده است.^۶ در اکثر این معانی قید پلیدی و آلودگی در عمل مشترک است. به کارگیری این دو واژه در کنار هم، دلالت‌ها و مفاهیم بیشتری از عصمت اهل بیت علیهم السلام را نمودار می‌سازد. این ترکیب، نشانه این است که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله از هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی در اعمال، رفتار و گفتار، بری هستند. هم‌چنین «ال» در هر دو واژه، استغراق جنس است و بر مبرابردن ساحت مقدس امامان علیهم السلام از تمامی زشتی‌ها و گناهان دلالت دارد.

طبق نظر برخی، مفعول مطلق در «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» افاده تعظیم می‌کند. یعنی تطهیر ویژه از باب تفضل و کرامت است.^۷ در این آیه، تنها به ازاله و اذهاب رجس اکتفا نشده؛ بلکه به برخورداری از خلعت کرامت طهارت نیز اشاره شده است.^۸ لکن طبق نظر اکثر مفسران و لغویون، مصدر «تطهیراً» برای تأکید و مبالغه در پاکی و

۱. احزاب: ۳۳.

۲. جوهری، اسماعیل، تاج اللغة، ۳/ ۹۳۱.

۳. فیروزآبادی، محمد، القاموس المحيط، ۲/ ۳۴۳.

۴. راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۳۴۲.

۵. ازهری، محمد، تهذیب اللغة، ۱۰/ ۳۰۶.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۶/ ۹۴.

۷. فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر، ۳/ ۲۲۰.

۸. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ۵/ ۲۱۰.

تزکیه ائمه است؛^۱ چنان که حضرت علیه السلام نیز با آوردن فعل ماضی «طَهَّرْتَهُمْ» بر قطعی و حتمی بودن این مهم تأکید می نماید.

هم چنین امام سجاد علیه السلام مفعول مطلق نوعی (تَطْهِيراً بِإِزَادَةِ تَكْ) را جایگزین مفعول مطلق تأکیدی (تَطْهِيراً) نموده است تا اراده الهی را در این تطهیر بیشتر نمودار سازد و به مخالفان و هر مخاطبی اعلام دارد که جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله باید با اراده خداوند این مقامات را کسب نموده باشد. لذا هر کسی شایستگی مقام امامت مسلمین را ندارد. این کلام حضرت خود اعتراضی است بر کسانی که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله خودسرانه اراده بی تدبیرانه خودشان را بر اراده الهی ترجیح دادند و با این نابخردی، مسیر خلافت الهی را تغییر دادند و مفضول را بر افضل مقدم داشتند و به مرور زمان، باعث انحراف در دین خدا شدند.^۲

حضرت سجاد علیه السلام در جای جای صحیفه، برای دفاع از مقام امامت و زنده نگه داشتن نام اهل بیت علیهم السلام - به عنوان امامان امت - با صلوات های مکرر که با تعابیری چون: طیبین طاهرین، انجبین، ابرار، اخیار و صفوه همراه است، از ایشان به نیکی یاد می نماید. این ویژگی ها، علاوه بر خاص نمودن مقام این بزرگواران، بزرگداشتی از مقام عصمت و پاکی ایشان و هم چنین تأکیدی بر آیه تطهیر دارد.

۱-۳-۳. تبیین چرایی درود بر امام

حضرت سجاد علیه السلام در دعای عرفه، در مقدمه بحث امامت، با چهار صلوات که در چهار فراز پی در پی (۵۶ تا ۵۹) آمده است، اهل بیت پیامبر علیهم السلام را نیز شایسته درودهای خاص و ویژه می داند. ایشان در راستای تبیین آیه تحیت، کیفیت،^۳ کمیت^۴ و

۱. طباطبایی، محمدحسین، میزان، ۱۶/۳۱۲-۳۱۳.

۲. دعای ۴۸ / فراز ۹.

۳. دعای ۴۸ / فراز ۵۷.

۴. دعای ۴۸ / فراز ۵۸.

عظمت درودها^۱ را بیان می‌دارد؛ درحالی‌که در آیه تحیت، صلوات با فعل «صلوا علیه» بر «نبی» اطلاق دارد و مصادیق دیگر آن، هم چنین نحوه، کیفیت و حدود آن، بیان نشده است.

امام سجاد علیه السلام در دعای عرفه، در فرازهای ۵۷ تا ۵۹، با آوردن ضمایر جمع در درودهای الهی، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله برای اهل بیت ایشان علیهم السلام حقی ویژه در نظر می‌گیرد. در فراز ۵۶ نیز با موصول جمع (الذین) تأکید بیشتری بر این نکته دارد که آیه تحیت، راجع به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می‌باشد. این مهم خود تبیینی بر آیه تحیت و بیان مصادیق جدیدی برای آن است. هم چنین امام سجاد علیه السلام اهل بیت علیهم السلام را به خاطر داشتن مقام والای شفاعت، شایسته درود الهی می‌داند: «عَلَيْهِمْ وَعَالِيَهُمْ سَلَامٌ»؛^۲ چنان‌که در آیه تحیت، این امتیاز بر رسول صلی الله علیه و آله اطلاق دارد.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده، این نتایج حاصل آمد که مهم‌ترین کارکردهای تفسیری کلام امام سجاد علیه السلام در جهت بیان مصداق آیات، تعلیل، تبیین و تفسیر، هم چنین گسترش دلالت مفهوم آیات قرآنی می‌باشد. بسامد بالای کارکرد تطبیق آیات نسبت به دیگر کارکردها، نشانگر جهت‌گیری شیعی بارز حضرت سجاد علیه السلام درباره آموزه امامت است.

در این تحقیق، مواردی مشخص شد که در تبیین اصطلاحات قرآنی «اهل بیت» و «اولوالامر» و مباحث کلیدی مربوط به امامت، نقش بسزایی داشت. امام سجاد علیه السلام با بهره‌گیری از کلام وحی و به شیوایی هرچه تمام‌تر، «آل رسول» که همان عترت و اهل بیت علیهم السلام هستند را به عنوان صاحبان امر به مخاطبین خود معرفی می‌کند.

با توجه به جو خفقان زمان اموی، حضرت سجاد علیه السلام نتوانسته است به صراحت به موضوع مهم امامت بپردازد و یا آیه‌ای را به صراحت تفسیر کند؛ لکن در ساختار

۱. دعای ۴۸ / فراز ۵۹.

۲. دعای ۴۸ / فراز ۶.

و قالب دعا، این وظیفه خطیر را انجام داده و به شیوه‌ای خلاقانه، به تبیین این موضوع مهم پرداخته است.

با کاوش در متن صحیفه و قرآن مشاهده شد که هر دو متن، متمم و مکمل یکدیگرند؛ به گونه‌ای که می‌توان دو متن را به زیبایی در درون هم تفسیر کرد. این امر باعث شده است که در ذهن مخاطب، به کرات حقانیت حدیث ثقلین تداعی شود. این کتاب ارزشمند، پشتوانه محکمی برای روایات تفسیری است. هم‌چنین یکی از بهترین منابع برای دستیابی به تفسیر قرآن است؛ چراکه تفاسیر روایی، روایاتی که در آنها صریحاً به تفسیر قرآن پرداخته شده است را جمع‌آوری می‌نمایند؛ اما با نگرشی نوین و با توجه به ساختار متفاوت صحیفه و تدبر در مفاد و مضامین دعاهای آن و از طریق سیاق درون‌متنی و انسجام موضوعی کل دعاهای، می‌توان به مطالب عمیقی دست یافت که در تقویت، روشن‌سازی، توسعه و ارتقای تفسیر نقلی، نقش مؤثری دارند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن مجید.

صحیفه سجّادیه.

آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، گردآورنده: احمد بن محمد حسینی، دار الاضواء بیروت، ۱۴۰۳ ق.

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبد الباری عطیة، دار الکتب العلمیة بیروت، ۱۴۱۵ ق.

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً، منشورات المطبعة الحیدریة، نجف.

ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر و التنویر، مؤسسة التاریخ، بیروت.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۵ ق.

ابوحیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۱ ق.

باقری، سیدکاظم، قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۹۴ ش.

بحرانی، میثم بن علی، قواعد المرام فی علم الکلام، مهر، قم، ۱۳۵۵ ش.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق.

برزگر، ابراهیم، درآمدی بر اندیشه سیاسی صحیفه سجادیه، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.

جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، تحقیق: محمد صفایی، چاپ سوم: اسراء، قم، ۱۳۸۹ ش.

جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، محقق: محمود صادقی، چاپ پنجم: اسراء، قم، ۱۳۸۸ ش.

جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد بن الغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۳۷۶ ق.

حاکم حسکانی، عییدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تحقیق: محمدباقر محمودی، مؤسسه الطبع و النشر، تهران، ۱۴۱۱ ق.

حسینی شیرازی، محمد، شرح الصحیفه السجادیة، دارالعلوم، لبنان، ۱۴۲۴ ق.

راغب اصفهانی، حسین، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

زمخشری، محمود بن عمر، أساس البلاغة، چاپ اول: بیروت، ۱۹۷۹ م.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم: هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد، القاموس المحیط، دارالکتب العلمیة، بیروت.

فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، صدرا، تهران، ۱۴۱۵ ق.

قرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام سجاد علیه السلام، مترجم: محمدرضا عطایی، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۷۲ ش.

قرشی، باقرشریف، حیاة الامام زین العابدین علیه السلام، چاپ اول: دارالاضواء، ۱۴۰۹ ق.

قرشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ ش.

قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم: دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، چاپ سوم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.

کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ ق.

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: محمد کاظم محمودی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۰ ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الطهار، محقق / مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

مدرسی چهاردهی، محمد علی، شرح صحیفه سجادیه، مرتضوی، تهران، ۱۳۸۰ ش.

مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مصحح: محسن حسینی امینی، اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.

مسعودی، ابوالحسن علی، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید، چاپ دوم: مکتبة التجارية الكبرى، مصر، ۱۳۶۷ ق.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دارالکتب العلمیة، قاهره، ۱۴۳۰ ق.

معرفت، محمد هادی، تفسیر اثری جامع، ترجمه: جواد ایروانی، التمهید، قم، ۱۳۹۰ ش.

مغنیه، محمد جواد، تفسیر الکاشف، چاپ اول: دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۲۴ ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول: دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.

میرداماد، محمد باقر، شرح الصحیفه السجادیة، تحقیق: سید مهدی رجائی، مهدیة المیرداماد، اصفهان، ۱۴۰۶ ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تصحیح: موسی شبیری زنجانی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.

هاشمی، احمد، تهذیب جواهر البلاغة، تلخیص: امیر امینی، چاپ اول: مرکز المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم العالمی للترجمة و النشر، قم، ۱۴۳۰ ق.

مقالات

عربی، غلامحسین، «تفسیر روایی قرآن از نظر فریقین»، پژوهش دینی، شماره ۱۶، ۱۳۸۷ ش.

مهریزی، مهدی، «روایات تفسیری شیعه، گونه شناسی و حجیت»، علوم حدیث، شماره ۵۵، بهار ۱۳۸۹ ش.